

• دریافت ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

• تأیید ۱۴۰۲/۰۷/۲۷

تبیین نظریه کنش‌های گفتاری سرل در سوگ سروده الدمعه الخرساء اثر بدر شاکر السیاب

عباس گنجعلی*

فرشته صفری**

چکیده

در نظریه کنش گفتاری سرل - که در حوزه کاربردشناسی زبان (pragmatics) جای دارد - معنا به‌هنگام کاربرد و در ارتباط با جهان خارج مورد مطالعه بوده و بافت و موقعیت به‌عنوان دو شرط اصلی در دستیابی به‌معنای ژرف‌ساخت، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این کارکرد زبانی، قابل بررسی در انواع متون بویژه متون ادبی است. بررسی متن از این نظرگاه نشان می‌دهد که چگونه شاعر با گذر از رساخت کلام، مضمون اصلی را در لایه‌های زیرین متن یا همان ژرف‌ساخت پنهان ساخته تا هم از ابتذال مضمون (پرهیز از موضوع و مضمون تکراری) جلوگیری کند و هم آن را در راستای توصیف جریان‌های عصر خود به کار گیرد. در این مجال، مرثیه‌ای عاشورایی از شاعر معاصر عراقی بدر شاکر السیاب مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی، بررسی کنش‌های گفتاری در یک اثر ادبی - تاریخی است که به ترسیم فضای فکری شاعر معاصر عرب در برخورد با تراژیک‌ترین رخداد سیاسی جهان اسلام و پیوند آن با شرایط کنونی جامعه‌ی استعمارزده خویش پرداخته است. حاصل پژوهش پیش رو این است که شاعر معاصر به‌جز کارگفت‌های اعلامی از همه کارگفت‌های کلامی استفاده کرده است. اما کنش‌های اظهاری با توجه به هدف بیدارگری و تظلم‌خواهی نمود بیشتری داشته است.

واژه‌های کلیدی: نظریه سرل، کنش گفتاری، بدر شاکر السیاب، الدمعه الخرساء.

a.ganjali@hsu.ac.ir

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه حکیم سبزواری، (نویسنده مسئول)،

fe_saffari@yahoo.com

** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه حکیم سبزواری،

پیشگفتار

رابطه زبان و اندیشه رابطه‌ای دو سویه است؛ به این معنا که زبان به‌عنوان ویتروینی برای نمایش افکار و اندیشه‌هایی است که گاهی از دیرباز در ذهن انسان جای گرفته و در یک موقعیت مناسب در اختیار مخاطب قرار می‌گیرند. «تفکر را برخی، نوعی گفتار ساکت تعبیر کرده‌اند و این نشان‌دهنده ارتباط تنگاتنگ اندیشه و زبان است» (آقا گل زاده، ۱۳۸۲: ۵۷). آنچه بین زبان و اندیشه ارتباط برقرار می‌کند، بافت است؛ به‌گونه‌ای که «بافت عامل هم‌بستگی و ارتباط سخن با تفکر آدمی قلمداد شده است» (کنعانی، ۱۳۸۴: ۲۹). از سوی دیگر با توجه به پیوند و ارتباط زبان با جهان پیرامون نیاز به آگاهی از دانش معناشناسی کاربردی - به‌عنوان شاخه‌ای از تحلیل گفتمان - جهت تعاملات زبانی مؤثر، مورد نیاز همگان است. در این حوزه، دو بافت برون‌زبانی و درون‌زبانی مطرح است. معناشناسی کاربردی در پی آن است که هر صورت زبانی به‌هنگام ایجاد ارتباط چه نقشی دارد (صفوی، ۱۳۸۲: ۱۳۵). در بافت درون‌زبانی دریافت معنای جملات درباره جملات پیش و بعد متن مورد توجه است و در بافت برون‌زبانی یا آنچه مالینفسکی^۱ (۱۹۲۳) تحت‌عنوان بافت موقعیتی مطرح کرده است (همان، ۱۴۰۰: ۱۷۰) با عوامل بیرون از متن به شناسایی معانی جملات پرداخته می‌شود. هر دو بافت با هم و در کنار هم مکمل یکدیگرند و تصور یکی بدون دیگری ممکن نیست.

سیاب برهه‌ای از حیات ادبی خود را در مکتب رمانتیسم سپری کرد؛ اما حوادث روزگار مسیر شعری او را دگرگون ساخت. این دگرگونی اندیشه‌ها مرهون عوامل متعدد است. جامعه‌ای که او در آن زیست می‌کند، بر اثر جنگ گرفتار هجمه‌های خارجی و تفرقه داخلی است و در نوعی سرگردانی و بی‌انگیزگی گرفتار شده است. شعر سیاب در این برهه زمانی در حقیقت تجلی‌گاه تلاش شاعر برای بیداری جامعه و ترسیم آینده‌ای روشن از خلال وحدت همگانی است.

نویسندگان در این پژوهش با گزینش یک شعر عاشورایی از بدر شاکر سیاب و تحلیل آن بر اساس نظریه کارگفت‌های گفتاری در صدد ارائه مفاهیم ضمنی این سروده‌اند که آن را از یک سروده صرف مذهبی به سروده‌ای اجتماعی-سیاسی سوق می‌دهد و با کنکاش در لایه‌های زیرین ابیات آن می‌توان روح انسان مبارزی را یافت که با به‌کارگیری عناصر نمادین عاشورایی بیرق مبارزه با جور و ستم را برافراشته می‌سازد.

پیشینه پژوهش

طبق جستجوهای صورت گرفته در رابطه با کنش گفتاری سرل باید گفت در حوزه ادبیات عربی این نظریه بیشتر در مورد قرآن کریم، نهج البلاغه و برخی ادعیه به‌کارگرفته شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به «تحلیل ساختار سوره شمس بر مبنای نظریه کنش گفتاری جان سرل» از فاطمه دسترنج و محسن ذوالفقاری، «تحلیل متن سوره مریم بر اساس نظریه کنش گفتاری با تأکید بر الگوی جان سرل» از صحبت الله حسنونند، «تحلیل کنش گفتاری خطبه امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا» از طاهره ایشانی و نیره دلیر، «دراسة خطبه رقمی ۲۷ و ۳۴ من نهج البلاغه علی اساس نظریه الأفعال الکلامیه لج ون سیرل» از سید مهدی نوری کیدقانی و مسعود سلمانی حقیقی، «کارکردهای ترغیبی در قرآن کریم» از رحیم احمدی نرجسه و دیگران، اشاره داشت. برخلاف پژوهش‌هایی که در حوزه ادبیات فارسی انجام شده، در خصوص کاربرت این نظریه در حوزه ادبیات عربی و شعر، جز متون نثر دینی قدیم، پژوهشی به چشم نیامده است. اما در رابطه با نمونه مورد مطالعه می‌توان به مقاله «تحلیل ساختاری همزیه سیاب در رثای امام حسین (ع)، اثر شهریار نیازی و عبدالوحید نویدی اشاره داشت.

پرسش‌های پژوهش

از جمله پرسش‌هایی که در این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به آن هستیم این است که شاخص‌ترین کارگفت‌ها که در شعر سیاب مورد توجه قرار گرفته کدامند؟ دیگر آن‌که شاعر چگونه با به خدمت گرفتن کارگفت‌های زبانی در اثر برگزیده، تعهد اجتماعی خویش را در حق جامعه عرب ادا کرده‌است؟

تئوری کنش‌های گفتاری (Theory of Speech Acts)

به‌طور کلی نقش و اهمیت زبان را می‌توان در سه مقوله ارتباطی، ابزار بیان عواطف و دستگاهی برای اندیشه (معینان، ۱۳۸۸: ۹-۱۱) در نظر گرفت. شلگل،^۲ زبان‌شناس آلمانی، درباره کارایی زبان این‌گونه می‌گوید: «ما برای سخن گفتن، تمام کلمات را به هم می‌چسبانیم. هدف از گفتار تنها این نیست که به دیگری خبری درباره منظور خود بدهیم، بلکه گفتار به ما این امکان را می‌دهد که درونی‌ترین حالات عاطفی و احساسی خود را تجلی بخشیم. به این ترتیب ما آرزوهای گوناگونی را برمی‌انگیزانیم و تصمیم‌های اخلاقی را تحکیم می‌بخشیم یا از بین می‌بریم و موجب می‌شویم محرک‌های مشترکی فعال شوند. ما به بزرگ‌ترین و خردترین چیزها، به شگفت‌آورترین امور ناشنیده و حتی ناممکن و تصورناپذیر، امکان بروز می‌دهیم. همه این‌ها به سبب سادگی ذات زبان ما امکان تجلی می‌یابد» (شلگل، ۱۷۹۵: ۲۳۴ به نقل از چامسکی، ۱۳۷۷: ۲۲). لکن استفاده از زبان، مستلزم شناخت موقعیت و توجه به شرایط مخاطب است. در حقیقت واکنش در برابر جملاتی که از دیگری صادر می‌شود ما را با مفهوم «کارگفت» یا «کنش گفتاری آستین» روبه‌رو می‌سازد.

«این نظریه زبان‌شناسی در اصل توسط «جی. ال. آستین»، فیلسوف دانشگاه آکسفورد در دهه ۱۹۳۰ طرح و در یک رشته کلاس‌هایی که وی در سال ۱۹۵۵ در هاروارد برگزار کرد، شرح داده شد و در سال ۱۹۶۲ تحت‌عنوان «کارهایی که با کلمات

انجام می‌دهیم» بسط یافت. از آن پس توسط «سرل» به‌عنوان یک رویکرد، مبنای نظریه‌های زبان‌شناسی قرار گرفت. بنابر نظریه کنش گفتار، در استفاده از زبان، مبادرت به انجام کاری یا عملی می‌کنیم؛ یعنی صرف سخن گفتن برابر با انجام کار است (داد، ۱۳۸۵: ۴۶۸).

«آنچه در نظریه افعال گفتاری مهم به نظر می‌رسد، تجزیه و تحلیل فعل مضمون در سخن است که در حقیقت تعیین‌کننده معناست که خود متقوم به دو عنصر است: یکی قصد گوینده و دیگری قراردادهای و قواعد زبانی‌ای که انسان برای ابراز مقاصد خود وضع می‌کند. بنابراین انجام موفق و تام افعال گفتاری به معنای ایجاد معناست. طبق این تحلیل، معنا پدیداری اجتماعی است؛ زیرا فعل گفتاری و ارتباط زبانی اساساً پدیداری اجتماعی است که در بسیاری از موارد علاوه بر قصد گوینده و علائم و نشانه‌های زبانی به اعتبارات اجتماعی و واقعیت‌های نهادی دیگر غیر از زبان نیز نیازمند است» (سرل، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۶).

انواع کارگفت‌ها از نگاه جان سرل (John Searle) (۱۹۳۲-۱۹۹۹)

در بازخوانی قصیده مورد نظر سه مقوله نوع کارگفت، معنای صریح و یا ضمنی نهفته در آن و نیز نکته غیر بیانی آن، مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. «جان سرل (John Searle) تحت تأثیر آرای آستین، کارگفت‌ها را بر حسب نوع کاری که انجام می‌دهند، در پنج نوع: اظهار، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی طبقه‌بندی می‌کند که هر یک از این انواع پنج‌گانه، بر حسب نکته غیر بیانی، تطبیق با جهان خارج، وضع روانی و محتوا از یکدیگر متمایز می‌شوند» (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۸۳). اصطلاح کارگفت یا گزاره زبانی «یک اصطلاح منطقی است و همان چیزی است که در دستور، جمله نامیده می‌شود و یک واحد کامل اطلاع‌دهنده است» (همان، ۱۴۰۰: ۱۶۹). از نظر «هانس برتنس»، استاد و نویسنده آمریکایی، «کارکرد یک متن را جهت‌گیری آن

تعیین می‌کند. این جهت‌گیری، در اصل همان کنش گفتاری است که طرز استفاده ما از گفتار را نشان می‌دهد» (برتس، ۱۳۸۳: ۵۸). گاهی کارگفت‌ها با صراحت موضوعی را بیان می‌کنند و گاهی دارای معنای ضمنی هستند که ادیب تحت‌تأثیر برخی عوامل نیت خود را در کلمات و عبارات مستور می‌سازد. «بسیاری اوقات در بیان مطلبی، مطلب دیگر نیز به صورت تلویحی و غیر مستقیم درک می‌شود. مثلاً «برادر او تازه از سفر بازگشته‌است» به طور ضمنی به ما می‌فهماند که او دارای برادری است یا جمله «قاتل او فرار کرد» به طور ضمنی به ما می‌فهماند که او کشته شده‌است» (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۹۴).

در ادامه به معرفی کارگفت‌ها خواهیم پرداخت.

اظهاری (representative act or assertive act): «این اصطلاح به نوعی از بیان گفته می‌شود که سخن‌گویان، باور و عقیده خود را درباره صدق و درستی یک گزاره ابراز می‌کنند» (Crystal, 2008: 413). این نوع کارگفت‌ها در تأیید، تفسیر، شرح دادن، نسبت دادن، ابراز کردن، ادعا کردن و... به کار می‌رود.

ترغیبی (directive act): در این کنش، امر و فرمان‌گوینده، شنونده را مکلف به انجام کاری می‌کند. «افعال کنش ترغیبی شامل: خواستن، بایستن، لازم بودن، دستور دادن، دعوت کردن، اجازه دادن، توضیح خواستن و... است» (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸).

تعهدی (commissive act): به آن دسته از کنش‌های گفتاری گفته می‌شود که در آن‌ها گوینده خود را ملزم به انجام کاری در زمان آینده می‌کند» (یول، ۱۳۸۳: ۷۵). به طور کلی عهد کردن، سوگند خوردن و گرو گذاشتن در این حوزه قرار دارند.

عاطفی (expressive act): «کنش عاطفی، نوعی کنش گفتاری است که احساسات گوینده را از جهان خارج نشان می‌دهد. این بیان شامل حالات روانی و نیز نمود احساساتی از قبیل: شادی، درد، علاقه، تنفر، لذت یا غم است» (همان: ۷۴).

اعلامی (declaration act): در این نوع کارگفت‌ها، گوینده از قدرت و صلاحیت لازم برای اعلام یک حکم برخوردار است و بیشتر، این نوع جملات از زبان سیاستمداران، قضات و به‌طور کلی مدیران و رؤسای مجموعه‌ها عنوان می‌شود و جایگاه چندانی در متون ادبی، بویژه از نوع غنایی ندارد. این نوع کارگفت در اثر مورد نظر مورد استفاده قرار نگرفته است. «ویژگی این کنش‌ها آن است که تغییری اساسی در وضع موجود ایجاد می‌کنند» (نحله، ۲۰۰۲: ۸۰).

بافت موقعیتی قصیده

با توجه به اهمیت بافت در تحلیل متن، قبل از ورود به قصیده بهتر است به نکاتی پیرامون سرایش آن اشاره‌ای مختصر داشته باشیم. قصیده حاضر با عنوان دیگر «خطاب الی یزید» در مجموعه «آزهار ذابله» در سال ۱۹۴۸ سروده شد. سیاب در این سال‌ها، دوران دانشجویی خود را سپری می‌کرد و به لحاظ سیاسی حوادثی چون اعتراض مردم به انعقاد معاهده «بورتسموت»^۴ میان عراق و انگلیس که به قیام «وثبه کانون الثانی» منجر شد (عباس، ۱۹۹۲: ۷۱) و از سوی دیگر جنگ اول عرب‌ها و اسرائیل را تجربه نمود. «سال ۱۹۴۸، سال تأسیس دولت غاصب یهود است که ایادی استعمار، آن را برای پاسداری منافع‌شان علیه خلق‌های منطقه - که از خواب قرون بیدار شده بودند - به وجود آوردند و نسلی را که پس از این سال‌ها در منطقه فلسطین و پیرامون آن شعر سروده است، «نسل شکست»، «نسل حزن» و «نسل سرشکسته» باید خواند» (شفیعی، ۱۳۸۰، ۲۵۰). «در این جنگ بیش از ۵۰۰ آبادی، روستا و شهر با نظاره‌گری آمریکا و اروپا با خاک یکسان شد و حدود یک میلیون نفر از فلسطینی‌ها در مدت کوتاهی قتل عام یا آواره شدند» (محمدی، ۱۳۸۸: ۲۸). «وقتی به شعر سیاب به منزله یک مجموعه واحد می‌نگریم، بخش اعظم شعر او را نزاع انسان و شر می‌بینیم؛ خواه مربوط به دوران پیوستن به حزب کمونیست (۱۹۴۴-۱۹۵۴) یا غیر

آن زمان باشد، چراکه وی اشعاری در توصیف رشادت‌های کسانی دارد که در مسیر آزادی، عدالت و صلح بیکار می‌کنند و از سوی دیگر عمل متجاوزان را که با جنگ‌افروزی، استعمارگری، استثمار ملت‌ها، ظلم و طغیان موجبات آوارگی میلیون‌ها انسان را فراهم آوردند، محکوم می‌کند» (بلاطه، ۱۹۷۱: ۱۷۶). در این برهه شاعر معاصر از مرحله رمانتیک شعری در حال گذر بوده و از ویژگی‌های این سبک در آثار او رثا است که ناشی از فوت عزیزانش در او افروخته شده بود. یکی دیگر از ویژگی‌های سبکی او بهره‌گیری از عناصر طبیعی است. در همین برهه زمانی، کم‌کم زمینه فکری او به رئالیسم نزدیک می‌شود که این دیدگاه ناشی از تأثیرات رویدادهای بعد جنگ دوم جهانی است. او در اثر پیش رو با این امتزاج فکری، نه تنها یزید چهارده قرن پیش که یزیدیان زمانه خویش را نیز مد نظر قرار داده است و آن‌ها را با زبان نمادین خود شماتت می‌کند. اندوه این شعر، یک اندوه به کمال رسیده است؛ چراکه از حزن فردی عبور کرده و فریاد در گلومانده یک ملت است. «سیاب از سال ۱۹۵۳ به بعد، به نوعی واقع‌گرایی سوسیالیستی رسید که از نمونه‌های بسیار موفق و معروف آن قصیده «المومس العمیاء» است» (جاسم، ۱۳۹۴: ۲۳۳). در شعر عاشورایی عصر حاضر، سیدالشهداء در قالب یک نماد دینی رهپویان مسیر مبارزه را راهبری می‌کند. «شاعران معاصر شخصیت امام (علیه السلام) را برگزیده‌اند تا از طریق تصویری که از آن ارائه می‌دهند، شکست انقلاب‌های انسانی معاصر را که با اهدافی عالی برپا شده‌اند، مجسم سازند و یادآور شوند که شکست برای چنین انقلاب‌هایی فقط جنبه ظاهری و صوری دارد و پیروزی آن‌ها قطعی است و شهادت فدائیان راه حق عین تحقق آرمان‌های والایی است که در سر دارند» (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۶۱). در اثر مورد نظر و با توجه به بررسی کنش‌های بیانی، شاعر به بهانه بازسازی واقعه عظیم عاشورا نهیبی به یزیدیان روزگار خویش زده و از خلال نمادهای عاشورایی، سرگذشت درهم‌پیچیده مردمان جامعه خویش را ترسیم نموده است. «شاعران عرب اغلب در شعر عاشورایی

خود از مسائل و مشکلات جامعه خویش سخن می‌گویند، آن‌ها بیشتر به شخصیت مبارزاتی و جهادی امام (علیه‌السلام) پرداخته و کمتر به دنبال تأثیر آنی بر مخاطب و تهییج عواطف همدردی، ترحم و حزن او بوده‌اند» (انصاری، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۱۰). در شعر سیاب، حس اندوه و حماسه با هم در می‌آمیزد. بین موسیقی بیرونی (وزن عروضی) و موسیقی کناری (قافیه و روئی) تناسب برقرار است. «موسیقی عروضی ابیات به‌گونه‌ای است که علاوه بر خشم و نفرت شاعر، غم و اندوه و حسرت وی را نیز به‌همراه دارد و این، دو نوع احساس را به مخاطبان منتقل می‌کند. عامل این نوع از موسیقی اندوهناک همراه با خشم و تنفر، علاوه بر این وزن عروضی، اسلوب خطابی و روئی مختوم به الف و همزه است؛ به این ترتیب، شاعر پیوندی را که میان موسیقی بیرونی و موسیقی کناری شعر وجود دارد حفظ کرده‌است» (نیازی و نویدی، ۱۳۹۲: ۱۲).

تحلیل سروده‌ی *الدمعه الخرساء* (خطاب الی یزید)

عنوان قصیده، یک ترکیب وصفی و برگرفته از متن شعر است که در ابیات ابتدایی و انتهایی به‌صورت نکره تکرار شده‌است. در انتخاب نام، شاعر از حس آمیزی استفاده کرده‌است. اشک، مربوط به حس بینایی و گنگ بودن، مربوط به حس شنوایی است که با هم ترکیب شده‌اند. از سوی دیگر ممکن است شاعر به دنبال یادآوری نام ایلیا ابو ماضی باشد که قطعه شعری با همین عنوان سروده‌است. این عنوان، نمادی از یک حزن ماندگار است که چونان اشک در دیدگان یک انسان بهت‌زده نه از چشمانش محو می‌شود و نه جاری می‌گردد.

سیاب، سروده‌ی عاشورایی خود را با یک حسن مطلع رازگونه و ابهام‌آمیز آغاز می‌کند. او خواننده خود را تا بیت سوم در تلاش برای یافتن مخاطب ابیات منتظر می‌گذارد. این کار نوعی مانع‌تراشی در درک مضمون به‌منظور درنگ طولانی‌تر خواننده و ترغیب به ادامه‌ی مطالعه‌ی اثر است. یکی از رموز موفقیت اثر پیش رو فارغ از همه‌ی ویژگی‌های

زبانی - بیانی، درگیر کردن مخاطب در فهم معنا و گره‌گشایی تدریجی برای مخاطبین هوشیار و باذکوت است.

وَ اجْعَلْ شَرَابَكَ مِنْ دَمِ الْأَشْلَاءِ ^۵	إِرم السَّمَاءَ بِنَظْرَةٍ اسْتِهْزَاءٍ
وَ أَبِحْ لِنَعْلِكَ أَعْظَمَ الضُّعْفَاءِ ^۶	وَ اسْحَقْ بِظُلْمِكَ كُلِّ عَرَضٍ نَاصِحٍ
عَنكَ الْحُسَيْنِ مُمَزَّقِ الْأَحْشَاءِ ^۷	وَ اسْدَرْ بِعَيْكَ يَا يَزِيدُ فَقَدْ نَوَى
مَمَّا تَدْرُ نَوَاضِبُ الْأَثْدَاءِ ^۸	وَ امْلَأْ سِرَا جِكَ إِنْ تَقَضَى زَيْتُهُ
هُدْبِ الرُّضِيعِ وَ حِلْمَةِ الْعِذَاءِ ^۹	وَ اخْلَعْ عَلَيْكَ كَمَا تَشَاءُ دُبَالَةً

با توجه به این که نوع افعال در ابیات آغازین قصیده از نوع امری است، بیان این نکته حائز اهمیت است که «کاربرد ثانوی فعل‌های امر در بستر گزاره‌های دارای کارکرد هشدار و تهدید در یک فضای سیاسی - اجتماعی استبدادزده و اختناق‌آمیز حادث می‌گردد و شاعر متعهد، خود را موظف به هوشیارسازی مخاطب می‌داند» (ذبیح‌پور و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۵۳). معنای صریح کارگفت‌ها در ابیات فوق (۱ تا ۵) ترغیبی است و شاعر به ترسیم رفتار ددمنشانه یزید با خاندان پیامبر ﷺ پرداخته است. درخصوص معنای ضمنی یا ژرف‌ساخت ابیات ما با دو احتمال روبه‌رو می‌شویم: این ابیات می‌تواند کنایه به باده‌گساری یزید باشد که عنان امور را از کف داده و به تبع آن به تشریح حرکات نشئه‌گونه او اشاره داشته‌باشد. در بیت سوم با یک معنای ضمنی دیگر هم روبه‌رو هستیم و آن از دست رفتن آرزوهای یزید و آرامش او بعد از آن واقعه دردناک است و به‌نوعی استهزا و هجو و ذم قاتلین امام حسین (علیه السلام) و یاران با وفای ایشان است؛ اما در لایه پنهانی، احتمال دوم آن است که شاعر با استمداد از این افعال خطاب‌گونه، نیشتری به حکمرانان فاسد داخلی و ابرقدرت‌های بیرونی زده‌باشد؛ همان نکته‌ای که خود سیاب نیز بر آن معترف است: «انگیزه سیاسی اولین عاملی بود که مرا به استفاده از اسطوره هدایت کرد. هنگامی که می‌خواستیم در برابر حکومت مقاومت کنیم، اسطوره را پوشش اهدافم ساختیم؛ زیرا جاسوسان نوری سعید قادر به

فهم آن نبودند. در دوره حکومت قاسم هم برای همین هدف از اسطوره استفاده کردم» (بلاطه، ۱۸۹: ۱۹۷۱).

و اللَّيْلُ أَظْلَمُ وَ الْقَطِيعُ كَمَا تَرَى يَزْنُو إِلَيْكَ بِأَعْيُنٍ بَلْهَاءٍ^{۱۰}
 أَحْسَى لِسُوطِكَ شَاحِبَاتٍ ظَهْرَهُ شَأْنَ الدَّلِيلِ وَ دُبِّ فِي اسْتِرْخَاءٍ^{۱۱}
 مَثَلَتْ غَدْرَكَ فَاقْشَعَرَ لِهَوْلِهِ قَلْبِي وَ نَارَ وَ زُلْزَلْتُ أَعْضَائِي^{۱۲}

در ابیات فوق (۶ تا ۸) کارگفت‌ها اظهاری است و معنای ضمنی آن ابراز تأسف از بی‌ارادگی و سرسپردگی بی‌چون و چرای سپاه کفر و انتقاد از رفتار غیر انسانی یزید در برابر خاندان پیامبر ﷺ است. در این ابیات نیز با توجه به جامعه استعمارزده عراق می‌توان این تأسف را نثار حکومت وقت کرد که با تدابیر نادرست و دادن امتیازات به دولت انگستان با سیاست‌های آنان موافقت و همراهی داشت.

وَ اسْتَقَطَّرَتْ عَيْنِي الدُّمُوعَ وَ رَنَنْتَ فِيهَا بَقَايَا دَمْعَةٍ خَرَسَاءٍ^{۱۳}
 يَطْفُو وَ يَرْسُبُ فِي خِيَالِي دُونَهَا ظِلُّ أَدَقِّ مِنَ الْجَنَاحِ التَّائِي^{۱۴}
 حَيْرَانٌ فِي قَعْرِ الْجَحِيمِ، مُعَلَّقٌ مَا بَيْنَ أَلْسِنَةِ اللَّظَى الْحَمْرَاءِ^{۱۵}
 أَبْصَرْتُ ظِلَّكَ يَا يَزِيدُ يَرْجُجُهُ مَوْجُ اللَّهَيْبِ وَ عَاصِفُ الْأَنْوَاءِ^{۱۶}
 رَأْسُ تَكَلَّلَ بِالْخَنَا، وَ اعْتَاضَ عَن ذَاكَ التُّضَارِ بِحَيَّةٍ رَقَطَاءٍ^{۱۷}
 وَ يَدَانِ مَوْثَقَتَانِ بِالسُّوْطِ الَّذِي قَدْ كَانَ يَعْبَثُ أَمْسِ بِالْأَحْيَاءِ^{۱۸}

کارگفت‌های ابیات ۹ تا ۱۴ اظهاری است و معنای ضمنی نخستین بیت در این مجموعه، گران بودن تحمل مصیبتی است که شاعر را در یک تحسّر و اندوه شدید و ابدی فرو برده است. در بیت ۱۰ معنای ضمنی کارگفت‌ها استمرار و تداوم وضعیت اسفناک قاتل نوادگان پیامبر ﷺ و تحقیر اوست. در ادامه ابیات معنای ضمنی، اشاره به موقعیت سختی است که در دوزخ برای یزید متصور شده است؛ ضمن این که باز هم به پادشاهی یزید و ستم‌هایی که در دنیا بر زبردستان روا داشته، اشاره شده است. در این بخش نیز شاعر می‌تواند از وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه خود ابراز

تحسّر کند. سرنوشت ستمکاران و تبهکاران را با یزید یکسان ببیند و از کوتاهی عمر ظلم در این دنیای فانی سخن گفته‌باشد.

قُمْ فَاسْمَعِ اسْمَكَ وَ هُوَ يَغْدُو سُبَّةً
وَ انظُرْ لِمَجْدِكَ وَ هُوَ مَحْضُ هَبَاءٍ^{۱۹}
وَ انظُرْ إِلَى الْأَجْيَالِ يَأْخُذُ مُقْبِلٌ
عَنْ ذَاهِبٍ ذِكْرَى أَبِي الشُّهَدَاءِ^{۲۰}
كَالْمَشْعَلِ الْوَهَّاجِ إِلَّا أَنَّهُمَا
نُورُ الْإِلَهِ يَجْلُ عَنْ إِطْفَاءٍ^{۲۱}

معنای ضمنی بیت ۱۵ با کنش ترغیبی آن است که یزید بعد از شهادت خاندان پیامبر لعن و نفرین ابدی جهانیان را برای خود خرید و شاعر، نابودی یک عظمت کاذب و پوشالی را با عبارت «محض هباء» به سخره گرفته‌است. این عبارت، آیه (... فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا) (فرقان/۲۳) را یادآوری می‌نماید و مصداق افرادی است که اعمالشان پوچ و بی‌ارزش شده‌است. در دو بیت ۱۶ و ۱۷ نوع کار گفت‌ها ترغیبی- اظهاری بوده و معنای ضمنی آن تمجید و افتخار به نام و یاد سیدالشهداء است که بعد قرن‌ها هنوز هم زنده و جاودانه است. بیت ۱۷ تلمیحی به این آیه شریفه دارد (يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرٌ نُّورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) (صف/۸). این بیت به فروغ جاودانی مقام امام اشاره دارد که کفار را یارای خاموش کردن آن نیست. شاید شاعر با تشبیه یزید به غبار و تشبیه امام به چراغ فروزان به این آیه استناد کرده‌است. در این ابیات نیز سرنوشت مبارزان و تجاوزگران معاصر با واقعه عاشورا قیاس می‌شود و ترغیب و تحذیر می‌تواند از این ابیات برداشت شود.

عَصَفَتْ بِي الذِّكْرَى فَأَلْقَتْ ظِلَّهَا
فِي نَاظِرِي كَوَاكِبِ الصَّحْرَاءِ^{۲۲}
مَبْهُورَةَ الْأَضْوَاءِ يَغِشِي وَمُضَاهَا
أَشْبَاحَ رُكَبٍ لَجَّ فِي الْإِسْرَاءِ^{۲۳}
أَضْفَى عَلَيْهِ اللَّيْلُ سِتْرًا حَيْكَ مِنْ
عَرَفِ الْجِنَانِ وَمِنْ ظِلَالِ (حِرَاءِ)^{۲۴}
أَسْرَى وَ نَامَ فَلَيْسَ إِلَّا هَمْسَةً
بِاسْمِ الْحُسَيْنِ وَجَهْشَةَ اسْتِكَاءِ^{۲۵}
تِلْكَ ابْنَةُ الرَّهْرَاءِ وَ لَهِيَ رَاعِيهَا
حُلْمٌ أَلَمَّ بِهَا مَعَ الظُّلْمَاءِ^{۲۶}
تُنْبِي أَخَاهَا وَ هِيَ تُخْفِي وَجْهَهَا
دُعْرًا وَ تَلْوِي الْجِيْدَ مِنْ إِعْيَاءِ^{۲۷}

عَنْ ذَلِكَ السَّهْلِ الْمُلْبِدِ يَرْتَمِي	فِي الْأُفُقِ مِثْلَ الْغَيْمَةِ السُّودَاءِ ^{۲۸}
يَكْتَضُ بِالْأَشْبَاحِ ظَمَأَى حَشْرَجَتْ	ثُمَّ اشْرَأَبَتْ فِي انْتِظَارِ الْمَاءِ ^{۲۹}
مَعْفُورَةَ الْأَفْوَاهِ إِلَّا جُثَّةً	مِنْ غَيْرِ رَأْسٍ لَطَّخَتْ بِدِمَاءِ ^{۳۰}
زَحَفَتْ إِلَى مَاءٍ تَرَاءَى ثُمَّ لَمْ	تَبْلُغْهُ وَ انْكَفَأَتْ عَلَى الْحَصْبَاءِ ^{۳۱}
غَيْرِ الْحُسَيْنِ تَصَدُّهُ عَمَّا انْتَوَى	رُؤْيَا فَكُفِّي يَا ابْنَةَ الزَّهْرَاءِ ^{۳۲}

از بیت ۱۸ شاعر با سبک روایی، خود را همسفر کاروان کربلا می‌بیند. شاعر با بیان تشبیه طوفان خاطرات، گویا خود را همراه و همسفر کاروان کربلا می‌بیند. کارگفت‌های اظهاری در بردارنده نکته غیر بیانی شرح و توصیف مسیر حرکت قافله و سرنوشت آنان است و اشاره به حادثه‌ای دارد که در منطقه خزیمیه رخ داده‌است. کاروان یک شبانه‌روز در آنجا اتراق می‌کند. نیمه شب هاتفی ندا سر می‌دهد و از وقایع پیش رو زینب (علیها السلام) را مطلع می‌کند. صبحگاهان وقتی ایشان موضوع را با برادر در میان می‌گذارند، امام می‌فرمایند: «یا أختاه کل الذی قضی فهو کائن» (خواهرم تمام آنچه در قضا است رخ خواهد داد) (شبر، ۱۴۰۹، ه. ق، ج ۱: ۳۵). در آخرین بیت، با کارگفت اظهاری - ترغیبی روبه‌رو می‌شویم که معنای ضمنی آن عزم جدی امام (علیها السلام) برای مقابله با باطل است؛ به‌نحوی که حتی یک رویای صادق هم مانع کار نمی‌شود و در نهایت مدح و تمجید شخصیت والای ایشان است. در مصراع دوم معنای ضمنی علاقه وافر حضرت زینب به بردارش را نشان می‌دهد. این ابیات از سوی دیگر می‌تواند الگویی موفق در نشان دادن سمت و سوی صحیح مبارزه از طریق استواری و دعوت به شکیبایی در یک جامعه ظلم‌ستیز باشد.

مَنْ لِلضَّعَافِ إِذَا اسْتَعَاثُوا وَ التَّطَّتْ	عِيناً يَزِيدَ سِوَى فَتَى الْهَيْجَاءِ ^{۳۳}
بِأَبِي عَطَا شَيْءٍ لَا غَيْبِينَ وَ رُضَّعَا	صُفْرَ الشُّفَاهِ خَمَائِصَ الْأَحْشَاءِ ^{۳۴}
أَيْدٍ تُمَدُّ إِلَى السَّمَاءِ وَ أَعْيُنُ	تَرْنُو إِلَى الْمَاءِ الْقَرِيبِ النَّائِي ^{۳۵}

در بیت نخست این بخش، نوع کارگفت ترغیبی دارای معنای ضمنی یاری‌گری

علی اصغر به‌عنوان آخرین فدایی راه حق و تمجید از ایشان است. در دومین بیت، نوع کارگفت تعهدی بوده و معنای ضمنی آن ترسیم شرایط اسفناک شیرخواره کربلا و ابراز اندوه و تحسّر برای ایشان است. در بیت پایانی نوع کارگفت‌ها اظهاری است و معنای ضمنی آن عزت نفس امام (علیه السلام) در برابر یزیدیان است که ایشان را در طلب آب نیز به آنان نیازمند نمی‌کند و به‌نوعی تشریح عزت و اقتدار امام در آن شرایط بحرانی است. باز هم شاعر با این تصویرگری شاید پلی به شرایط کنونی جامعه خود می‌زند که اصل مقاومت و پایداری رمز پیروزی است و به‌دنبال احیای اقتدار پیشین عربی است.

از الحُسَینِ وَ جَلَّ عَنْ أَنْ يَشْتَرِيَ
جَمَّ الْخَطَايَا طَائِشَ الْأَهْوَاءِ^{۳۶}
آلِي يَمُوتَ وَ لَا يُوَالِي مَارِقاً
رَى الْغَلِيلِ بِخُطَّةٍ نَكَرَاءِ^{۳۷}

در بیت اول با یک نمونه از کارگفت عاطفی روبه‌رو می‌شویم. معنای ضمنی ستودن روحیه عزت‌مندی حسین بن علی است که مهم‌ترین هدف قیام خود را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و در این مسیر از همه‌چیز خویش دل می‌گسلد. بیت بعد در حیطه کارگفت تعهدی، دارای معنای ضمنی عدم بیعت امام با خروج‌کنندگان از دین، بویژه یزید است که حتی در دشوارترین شرایط هم به صلح‌نامه‌ها و امان‌نامه‌های آنان تن نمی‌دهد. این بیت یادآور جمله‌ای از خطبه بلند امام (علیه السلام) «هیهات منا الذّله» است که در برابر امان‌نامه سپاه دشمن ابراز کرد. در این ایات ممکن است شاعر به عقد قرارداد نخست‌وزیر کشورش با دولت انگلیس واکنش نشان داده و از این طریق بر آن‌ها خرده گرفته باشد.

فَلْيَصْرَعُوهُ كَمَا أَرَادُوا إِنَّمَا
مَا ذَنْبُ أَطْفَالٍ وَ ذَنْبُ نِسَاءٍ؟!^{۳۸}

در این بیت نوع کارگفت‌ها، ترغیبی از نوع امری- پرسشی است. معنای ضمنی بیت آن است که دشمنان نتوانستند شخصیت امام را تاب بیاورند و ایشان و زنان و کودکان را قربانی خواهش‌های نفسانی کردند و این خود به‌گونه‌ای، تجویز قتل امام توسط دشمنان عدالت است. اما در مصراع دوم با یک پرسش انکاری نوعی توییح و

سرزنش از کشتن کودکان و زنان به چشم می‌خورد. بیان فعل امر غایب در کنار فعل ماضی دارای نکته‌ای است: «وقتی با فعل مضارع از ماضی خبر داده شود، به جهت حاضر کردن صورت آن است؛ به گونه‌ای که شنونده احساس کند در حال مشاهده آن واقعه است؛ حال آن که فعل ماضی به این اندازه قابلیت ندارد» (این اثیر، ۱۴۲۰ ق، ج ۲: ۱۴۵). با وجود این که اراده کردن و قتل هر دو در زمان گذشته انجام شده، ولی کشتن را به زمان حال و اراده کردن عمل را به گذشته نسبت داده است. با این اقدام، گویی شاعر در حال ملاحظه آن واقعه هولناک است. اگر گفته شود که فعل ماضی هم قابلیت تخیل‌پذیری در ذهن شنونده را دارد، در جواب گفته می‌شود در هر دو فعل تخیلی وجود دارد، اما در مضارع بیشتر و شدیدتر است؛ چرا که آن صورت فعل را حاضر می‌کند تا جایی که شنونده گویی در حال مشاهده انجام کار از سوی فاعل است (همان: ۱۴۷). چه بسا شاعر با این سبک از گفتار به دنبال تداعی عاشورایی دیگر در سرزمین استعمار زده خویش و به تبع آن به دنبال دادخواهی خون کودکان و زنان بی‌گناه است.

عَاجَتِ بِي الذِّكْرَى عَلَيْهَا سَاعَةٌ مَرَّ الزَّمَانُ بِهَا عَلَى اسْتِحْيَاءٍ^{۳۹}

کارگفت‌ها اظهاری است. معنای ضمنی ابراز تأسف و تحسر از عمق فاجعه‌ای است که افکار شاعر را چند لحظه‌ای به خود مشغول داشته و شاعر، زمان را گویی به انسانی تشبیه کرده که در این مصیبت با شرمساری در حال عبور است. چه بسا شاعر با مرور حوادث آن دوره و بیان استعاری شرمساری برای زمان از عملکرد دشمنان دین اظهار تأسف کرده است. این بیت می‌تواند هشدار به کسانی باشد که نسبت به آن حادثه بی‌تفاوت بوده یا ناخواسته در این مسیر گام بر می‌دارند.

خَفَقَتْ لِتَكْشِفَ عَن رَضِيْعٍ نَاجِلٍ ذَبَلَتْ مَرَاشِفُهُ ذُبُولَ جِبَاءٍ^{۴۰}
ظَمَانَ بَيْنَ يَدَيِ أَبِيهِ كَأَنَّهُ فَرَحُ الْقَطَاةِ يَدِفُ فِي النَّكْبَاءِ^{۴۱}
لَاخَ الْفُرَاتِ لَهُ فَأَجْهَشَ بِاسِطًا يَمْنَاهُ نَحْوَ اللَّجْجَةِ الرَّزْقَاءِ^{۴۲}
وَ اسْتَشْفَعَ الْأَبُّ حَابِسِيهِ عَلَى الصَّدَى بِالطُّفْلِ يُؤْمِي بِالْيَدِ الْبَيْضَاءِ^{۴۳}

رَجَّيَ الرِّوَاءَ فَكَ ان سَه مَا حَزَّ فِي نَحَرَ الرُّضِيعِ وَ ضَحَكَةَ اسْتِهْزَاءٍ^{۴۴}
فَاهْتَزَّ وَ اخْتَلَجَ اخْتِلَاجَةَ طَائِرٍ ظَمَانَ رَفًا وَ مَاتَ قُرْبَ الْمَاءِ^{۴۵}

کارگفت‌های پیش رو اظهاری است و معنای ضمنی آن توصیف شرایط بغرنج نوزاد امام، تلاش امام برای سیراب ساختن او و نحوه برخورد سپاه کفر با درخواست امام است. شاعر در به تصویر کشیدن وضعیت کودک از تعبیر تشبیه «فرخ القطاه» و در بیت پایانی از بیان طائر ظمان بهره گرفته است. در بیت ۳۹ «ید بیضاء» تلمیحی به معجزه حضرت موسی (ع) است که گویی روح نجات‌بخشی امام برای سپاه کفر در آن شرایط سخت ترسیم شده است. در این ابیات، حزن و اندوه از شهادت فجیع شیرخواره خودنمایی می‌کند. چه بسا این حجم وسیع از توصیف شرایط شیرخواره در این شعر بارقه‌هایی از گرایش‌های سوسیالیستی شاعر را بیش از پیش نمودار می‌سازد.

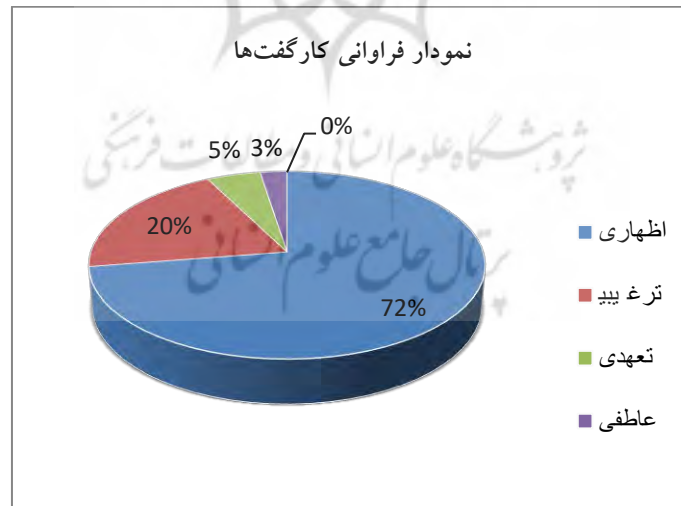
ذِكْرِي أَلَمْتُ فَأَقْشَعَرَ لَهْلُوهَا قَلْبِي وَ ثَارَ وَ زُلْزَلْتُ أَعْضَائِي
وَ اسْتَقَطَّرْتُ عَيْنِي الدُّمُوعَ وَ رَنَّقْتُ فِيهَا بَقَايَا دَمْعَةٍ خَرَسَاءِ
يَطْفُو وَ يَرْسُبُ فِي خِيَالِي دُونَهَا ظِلُّ أَدْقُ مِنَ الْجَنَاحِ النَّائِي
خَيْرَانُ فِي قَعْرِ الْجَحِيمِ، مُعَلَّقُ مَا بَيْنَ أَلْسِنَةِ اللَّطْيِ الْحَمْرَاءِ^{۴۶}
(الشبر، ۱۹۸۸ م: ج ۱۰/۱۷۲)

در انتهای قصیده با تکرار چند بیت میانی روبه‌رو می‌شویم که بی‌تردید شاعر در این کار غرضی را دنبال می‌کرده است. یکی از اغراض تکرار در عنوان قصیده است که یک‌بار در ابیات آغازین و بار دیگر در ابیات فرجامین واقع شده است و این تکرار، نشان‌دهنده اهمیت است که شاعر برای عنوان شعر قائل بوده است. «معمولاً عنوان‌های شعری در بردارنده مضمون اصلی آن شعر و ارائه‌کننده هدف، احساس و اندیشه شاعرند و وقتی شاعری عنوان شعر را در بخشی از شعر جای می‌دهد، بیان‌گر اهمیتی است که آن شاعر بدان بخش از شعر می‌دهد» (روحانی و عنایتی، ۱۳۹۲: ۹۱). از دیگر اغراض تکرار، یادآوری و تکرار یک احساس یا اندیشه در کلام است. «تکرار،

کلید تفکر و اندیشه غالب بر ذهن شاعر را در اختیار ما قرار می‌دهد؛ از این‌رو یکی از پرتوهای ناخودآگاهی است که شعر بر اعماق ذهن شاعر می‌تاباند و آن را روشن می‌کند و می‌توان از این طریق، بر کنه ضمیر او آگاه شد یا بهتر است بگوییم تکرار بخشی از هندسه عاطفی عبارت است و شاعر سعی می‌کند با استفاده از آن، به کلمات خود نظم ببخشد و اساسی عاطفی ایجاد کند» (نازک الملائکه، ۱۳۹۷ ش: ۲۵۲).

تکرار در سطوح مختلف، اعم از واژگانی یا موسیقایی یکی از بارزترین ویژگی‌هایی است که در رثا به‌وفور می‌توان یافت. این رشیق می‌گوید: «باب رثا به‌خاطر وجود مصیبت و شدت حزن و اندوهی که فرد مصیبت‌دیده در خود می‌یابد، مناسب‌ترین مکان برای تکرار کلام است» (انصاری، ۱۳۹۱: ۳۹۶).

به این ترتیب می‌توان در باب تکرار ایات پایانی به تکرار عامدانه عنوان اثر، احساس و اندیشه غالب بر اثر و تأکید بر محتوا و مضمون اثر با هدف برائت از ظلم و حزن عمیق شاعر معاصر از همراهی دولت‌مردان کشورش با این جریان اشاره کرد. در نوار زیر به‌طور خلاصه بسامد گزاره‌های گفتاری در شعر عاشورایی سیاب مورد اشاره قرار گرفته است:



شکل ۱

کارگفت‌ها	روساخت (معنای صریح) Surface structure	ژرفساخت (معنای ضمنی) Deep structure
بیت ۵-۱	ترغیبی	استهزاء و هجو یزید و ستمگران معاصر
بیت ۷-۶	اظهاری	تأسف به حال ظلم‌پذیران
بیت ۸	اظهاری	تحقیر-تأسف
بیت ۹	اظهاری	تحسّر شدید
بیت ۱۰	اظهاری	تحقیر-تأسف تجاوزگران
بیت ۱۴-۱۱	اظهاری	شرح حال یزید و عبرت از سرنوشت ظالمان
بیت ۱۵	ترغیبی	تحقیر و هشدار به ناپایداری قدرت ظالمان
بیت ۱۶	ترغیبی	مدح امام حسین <small>علیه السلام</small> و همه آزادی‌خواهان
بیت ۱۷	اظهاری	مدح امام حسین <small>علیه السلام</small> و همه آزادی‌خواهان
بیت ۲۷-۱۸	اظهاری	شرح و توصیف حرکت کاروان-ارائه یک برنامه جامع و موفق در مسیر مبارزه با باطل
بیت ۲۸	اظهاری / ترغیبی	مدح امام <small>علیه السلام</small> و همه مبارزان میدان جهاد- دعوت به صبر و شکیبایی در تحمل سختی‌های مبارزه
بیت ۲۹	ترغیبی / اظهاری	تمجید از حضرت علی اصغر <small>علیه السلام</small> و همه فدائیان کوچک میدان جهاد
بیت ۳۰	تعهدی	ابراز تحسّر
بیت ۳۱	اظهاری	شرح مشقت حضرت علی اصغر <small>علیه السلام</small> و همه فدائیان کوچک میدان جهاد
بیت ۳۲	عاطفی	ستایش روحیه ظلم‌ستیزی امام حسین <small>علیه السلام</small> و مبارزان معاصر
بیت ۳۳	تعهدی	مدح روحیه ظلم‌ستیزی امام حسین <small>علیه السلام</small> - کنایه به امضای توافق‌نامه‌های استعماری

سوزش دشمنان امام (علیه السلام) و شکایت از قربانی شدن ناجوانمردانه زنان و کودکان بی‌گناه	ترغیبی / اظهاری / ترغیبی	بیت ۳۴
تخسر از واقعه عاشورا و ادامه تحرکات جریان باطل در عصر حاضر	اظهاری	بیت ۳۵
توصیف وضعیت شیرخواره امام (علیه السلام) و همه کودکان قربانی جنگ	اظهاری	بیت ۳۶-۴۱
تأسف به حال ظلم‌پذیران	اظهاری	بیت ۴۲
تخسر	اظهاری	بیت ۴۳
شرح حال یزید و عبرت از سرنوشت ظالمان	اظهاری	بیت ۴۴-۴۵

نتیجه‌گیری

شعر عاشورایی سیاب با توجه به شرایط و موقعیت جامعه او، روایت‌گر محرومیت و مظلومیت جامعه عربی است که در قالب شخصیت‌های نمادین کربلا فریاد استغاثه و تظلم‌خواهی را بلند می‌کند. آنچه در این قصیده بیش از پیش جلوه‌گری می‌کند، استفاده مطلوب و سنجیده از کنش‌های گفتاری است که تابع تعهد و التزام اجتماعی شاعر بوده و بر تارک تاریخ معاصر عرب شکوه‌مندانه می‌درخشد. سیاب با اظهار عبارات خطاب‌گونه که در چهارچوب کنش‌های ترغیبی قرار دارد بر استعمارگران روزگارش می‌تازد. در این اثر او کنش‌های اظهاری بیش از همه مورد استفاده قرار گرفته‌اند و بیش از آن که شرح‌دهنده و گزارش‌گونه، حوادث عاشورایی را به تصویر بکشند، جراحات‌های عمیق جامعه معاصر عربی را ترسیم کرده‌اند؛ دردهایی که ریشه در گذشته سرزمینش دارند. گرچه کنش‌های عاطفی در شعر او اندک به نظر می‌آیند ولی یادآور هدف یک قیام سرنوشت‌ساز است؛ قیامی که بر اساس امر به معروف و نهی از منکر شکل یافته و امتداد داشته‌است. کنش‌های تعهدی نیز اندک ولی یکی از بزرگ‌ترین شعارهای تاریخ تشیع را متذکر می‌شود که پذیرش ذلت در قاموس حسین

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ آزادی خواهان جهان جایگاهی ندارد. چه بسا شاعر با بهره‌گیری بیشتر از کنش‌های اظهاری بیش از آن که به شور عاطفی مردمان روزگارش بیاویزد، به شعور و خرد جمعی آنان دل بسته‌است. نحوهٔ چینش ابیات به گونه‌ای است که از مذمت استعمارگران آغاز می‌شود و با اندوه آخرین فدایی امام غمگنانه به انتها می‌رسد و ناگهان شاعر با تکرار عامدانهٔ ابیات میانی حماسه‌وار از یک ذلت ابدی و جاودانی برای ستمکاران پرده برمی‌دارد.

پی‌نوشت‌ها

- (۱) پدر انسان‌شناسی مدرن: Branislav Malinowski
- (۲) آوگوست ویل هلم فن اشلگل: August Wilhelm von Schlegel
- (۳) orientation
- (۴) Portsmouth: معاهده‌ای که بین عراق و دولت بریتانیا در تاریخ ۱۹۴۸/۱/۱۵ واقع شد. به محض اینکه این قرارداد بین نخست‌وزیر عراق صالح جبر و بیفن به امضا رسید، دانشجوی‌های سر‌های مختلف در بغداد قیام کردند و انبوهی از مردم در این تظاهرات شرکت کردند (عباس، ۱۹۹۲: ۵۰). در پی امضای این توافق، قدرت خرید مردم بویژه کشاورزان، کارمندان و کارگران کاهش یافت که این امر موج‌های انقلاب‌های گستره را با هدف مبارزه با تورم و بهبود معیشت مردم به دنبال داشت (الموسوی، ۲۰۲۰ م: ۵).
- (۵) ای یزید به آسمان به دیدهٔ تمسخر بنگر و بادهٔ خویش را از خون پیکرهای پاره‌پاره بگیر!
- (۶) با سایهٔ شومت آبروی پاک را خرد و پایمال کن و استخوان‌های ناتوانان را زیر گام‌هایت بگذار.
- (۷) ای یزید! در گمراهی‌ات سرگشته و حیران بمان؛ چرا که حسین پاره‌پاره بر خاک افتاده‌است.
- (۸) اگر روغن چراغت تمام شد آن را با شیر سینه‌های خشک پر کن.
- (۹) وای یزید هم‌چون فتیله چراغی، مژگان کودکان شیرخوار و پستان دوشیزگان را به خود ببخش.
- (۱۰) شب تاریک است و همان‌طور که می‌بینی این گله حیوانات (سپاه یزید) چون کم‌خردان به تو چشم دوخته‌اند.
- (۱۱) کمرهای سست خود را، با تازیانه‌های تو خم می‌کنند و هم‌چون بی‌ارادگان، ذلیلانه حرکت می‌کنند.

- (۱۲) فریب و نیرنگت را به من نشان دادی؛ پس از ترس آن لرزه به قلب و تمام وجودم افتاد.
- (۱۳) چشمانم قطره‌قطره اشک چکاند و بقایای اشک خاموش در چشمانم ماندگار است.
- (۱۴) در خیال من سایه‌ای نازک‌تر از بال، در حال دور شدن، بالا و پایین می‌رود.
- (۱۵) سایه‌ای که در قعر جهنم سرگردان و میان شعله‌های سرخ آتش، پریشان و آویزان است.
- (۱۶) سایه تو را دیدم ای یزید که امواج آتش و گردبادها، آن را می‌لرزاند.
- (۱۷) سری که به تاج زشتی آراسته و به جای آن تاج، مار خال‌دار دیده‌می‌شود.
- (۱۸) و دستانش با همان تازیانه‌ای که دیروز بر انسان‌ها می‌زد، بسته شده است.
- (۱۹) برخیز و بشنو نام و نشانت را که لعن و نفرین شده است و به بزرگی‌ات بنگر که بر باد رفته است.
- (۲۰) به نسل‌ها بنگر که آیندگان و پیشینیان، چگونه نام سید الشهداء را یاد می‌کنند!
- (۲۱) نام و نشانی که چون مشعلی برافروخته است، نوری الهی که خاموشی ندارد.
- (۲۲) طوفان خاطرات بر من وزید و ستارگان بیابان در چشمم پرتو افکند.
- (۲۳) با نوری کم‌سو که شیخ کاروانی شبرو، درخشش آن را می‌گرفت.
- (۲۴) شب بر آن قافله پوششی انداخت که از شمیم بهشت و سایه حراء تنیده شده بود!
- (۲۵) شب‌هنگام، گاه می‌رفت و گاه می‌خوابید و تنها نجوای نام حسین (علیه السلام) بود و صدای گریه!
- (۲۶) آن دختر زهرا (علیها السلام) است که آشفته در تاریکی شب، رؤیایی او را فرا گرفته است.
- (۲۷) در حالی که از ترس چهره‌اش را پنهان و از خستگی گردن را خم می‌کند، ماجرا را به برادر می‌گوید.
- (۲۸) از آن دشت تیره و غبار گرفته که مانند ابری سیاه در افق امتداد می‌یابد.
- (۲۹) دشتی که پر است از اشباح (افراد) تشنه‌لب که آخرین نفس‌های زندگی را می‌کشند و هم‌چنان بی‌قرار آب هستند.
- (۳۰) لب‌هایی که از تشنگی باز مانده‌اند و تنها پیکر بی سری که خون‌آلود است.
- (۳۱) به سمت آبی که به نظر او آمد، خیز برداشت، اما به آن نرسید و روی ریگ‌ها افتاد.
- (۳۲) خواب، غیر امام حسین (علیه السلام) را از هدف خود باز می‌دارد، پس ای دختر زهرا! از آه و ناله دست‌بردار!
- (۳۳) وقتی چشمان یزید پر شراره گردد، جز جوانمرد میدان‌های جنگ، چه کسی به یاری مستضعفان بر خواهد خواست؟
- (۳۴) پدرم فدای خشکیده لبان لاغر و شیرخواره زردرو و شکم به پشت چسبیده.

- ۳۵) دست‌هایی که رو به‌سوی آسمان بلند شده و چشم‌هایی که به سراب، غریبانه می‌نگرد.
- ۳۶) حسین (علیه‌السلام) بزرگ‌تر و والاتر از آن است که به‌خاطر هوا و هوس زودگذر، امت را به گناهان بسیار، بفروشد.
- ۳۷) سوگند یاد کرد که (در راه دین) می‌میرد، اما به‌خاطر سیراب ساختن تشنگان خود، به نقشه زشت و خارج از دین تن دردهد و با او هم‌پیمان نشود.
- ۳۸) پس باید او را به خاک بیفکنند همان‌طور که خود خواستند، اما گناه کودکان و زنان بی‌پناه چه بود؟! (۳۸)
- ۳۹) این افکار ساعتی مرا به خود مشغول کرده، ساعتی که زمان با شرمساری از کنار آن گذر می‌کند.
- ۴۰) قلبش لرزید تا اندوه طفل شیرخوار لاغر تشنه‌لب را که لبانش از تشنگی پژمرده‌بود، برطرف کند.
- ۴۱) طفل تشنه‌ای که در میان دستان پدر پژمرد و چون پرنده‌ای هراسان میان بادهای بی‌رحم به هر سوء می‌شتافت.
- ۴۲) رود فرات جلوی دیدگانش نمایان گشت؛ پس گریه سر داد و دستان کوچکش را به‌سوی آب گشود.
- ۴۳) او امید آب را داشت؛ اما جواب، تیری بود که گلولی کوچک کودک را نشانه رفت و به‌دنبال آن قهقهه تمسخرآمیز دشمن، فضا را پر کرد.
- ۴۴) پدر با «ید بیضایی» خود به دشمنان اشاره کرد و گفت اگر کودک را سیراب سازند، آن‌ها را شفاعت خواهد کرد.
- ۴۵) کودک شیرخوار چون پرنده‌ای تشنه‌لب، پرکشید و در کنار آب شهید شد!
- ۴۶) خاطره‌ای که به یاد آمد و قلبم از ترس لرزید و تمام اعضای بدنم به جوش و خروش درآمد. اشک قطره قطره از چشمانم جاری شد و باقی‌مانده اشکی گنگ چشمم را فراگرفت. در خیال من سایه‌ای باریک‌تر از بال در حال دور شدن بالا و پایین می‌رود. سایه‌ای که در قعر جهنم سرگردان و میان زبانه‌های سرخ آتش آویزان است.

منابع

- آقا گل زاده، فردوس، (۱۳۸۲)، نگاهی به تفکر و زبان، تازه‌های علوم شناختی، سال پنجم، شماره ۱، صص ۵۷-۶۴.
- انصاری، نرگس، (۱۳۸۹)، عاشورا در آئینه شعر معاصر: بررسی و تحلیل شعرهای عاشورایی (فارسی - عربی)، چاپ اول، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا

- ابن الأثیر، ضیاء الدین، (۱۴۲۰ ق)، **المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر**، لبنان: المكتبة العصرية.
- برتنس، هانس، (۱۳۸۳)، **مبانی نظریه ادبی**، مترجم: ابوالقاسمی، محمد رضا، تهران: ماهی.
- بلاطه، عیسی، (۱۹۷۱)، **بدر شاكر السياب حیاته و شعره**، بیروت: دار النهار.
- جاسم، محمد، (۱۳۹۴)، **رمز و اسطوره در شعر معاصر ایران و عرب**: بررسی تطبیقی رمزگرایی در شعر بدر شاكر سیاب و مهدی اخوان ثالث، تهران: نگاه.
- چامسکی، نوام، (۱۳۷۷)، **زبان‌شناسی دکارتی** فصلی از تاریخ تفکر عقل‌گرا، (مترجم طاهریان، احمد)، تهران: هرمس.
- داد، سیما (۱۳۸۵). **فرهنگ اصطلاحات ادبی** (واژه نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی به شیوه تطبیقی و توضیحی، (چاپ سوم). تهران: مروارید.
- ذبیح‌پور، سیده فاطمه؛ باقری خلیلی، علی اکبر؛ حق‌جو، سیاوش، (۱۴۰۰)، تحلیل اغراض ثانوی فعل امر در اشعار اجتماعی مجموعه آینه‌ای برای صداها، **فصل‌نامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی**، شماره ۶۱، صص ۱۵۸-۱۳۳
- رجایی، نجمه، (۱۳۸۲)، **شعر و سرور تحلیل شعر انقلاب در ادبیات عرب**، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- روحانی، مسعود؛ عنایتی، محمد، (۱۳۹۴)، بررسی ساختاری-محتوایی عنوان‌های شعری م. سرشک در آینه‌ای برای صداها، **دو فصلنامه زبان و ادبیات فارسی**، سال ۲۳، شماره ۷۸، صص ۷۳-۱۰۰.
- زرقانی، سید مهدی و اخلاقی، الهام، (۱۳۹۱)، تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش گفتار، **دو فصلنامه ادبیات عرفانی**، سال سوم، شماره ۶، صص ۶۱-۸۰.
- سزل، جان آر، (۱۳۸۷)، **افعال گفتاری جستاری در فلسفه زبان**، (مترجم: عبداللهی، محمد علی)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شبر، جواد (۱۴۰۹ ق). **ادب الطف أو شعراء الحسین**، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، **شعر معاصر عرب**، چاپ اول، تهران: سخن.
- صفوی، کورش، (۱۳۷۷)، **زبان‌شناسی و ادبیات**، چاپ اول، تهران: هرمس.
- ———، (۱۳۷۹)، **درآمدی بر معنی‌شناسی**، چاپ اول، تهران: سوره مهر.
- ———، (۱۳۸۲)، **معنی‌شناسی کاربردی**، چاپ اول، تهران: همشهری.

- ، (۰۰)، آشنایی با نظریه‌های نقد ادبی، چاپ دوم، تهران: علمی.
- عباس، احسان، (۱۹۹۲)، بدر شاکر السیاب درسه فی حیاته و شعره، الطبعة السادسة، المؤسسة العربیة للدراسة و النشر: بیروت.
- قاسمی، ضیاء، (۱۳۹۷)، **سبک ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی**، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر.
- کنعانی، سید حسین، تابستان ۱۳۸۴، سیر تحول کاربرد سیاق در تفسیر، **مشکوه**، شماره ۸۷، صص ۲۸-۴۲.
- محمدی، علی‌رضا، (۱۳۸۸)، **هولوکاست** (دروغ مقدس غرب) به ضمیمه مصاحبه با پرفسور فوریسون، چاپ ششم، قم: دفتر نشر معارف.
- معینیان، نرمینه، (۱۳۸۸)، **زبان‌شناسی از دیدگاه انسان‌شناسی**، چاپ اول، تبریز: ستوده.
- الموسوی، عماد جاسم حسن؛ الزبیدی، جابر محمد، (۲۰۲۰م)، نشاط محمدسلیمان حسن السیاسی خلال المدة (۱۹۴۸-۱۹۵۶م)، **مجلة الدراسات المستدامة**، السنة الثانية، المجلد الثاني، العدد الخامس، صص ۱-۱۵
- نازک الملائکه، (۱۳۹۷ ش)، **رویکردهایی در تحلیل و نقد شعر معاصر**، (مترجمان: سیفی، طیبه؛ خرمی، رقیه)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نحلہ، محمود، (۲۰۰۲)، آفاق جدیدة فی البحث اللغوی المعاصر، مصر: دار المعارف الجامعیہ.
- نیازی، شهریار و نویدی، عبدالوحید (تابستان ۱۳۹۲)، تحلیل ساختاری همزة سیاب در رثای امام حسین علیه السلام، **ادبیات شیعه**، سال اول، شماره اول، صص ۱-۲۷.
- یول، جرج، (۱۳۸۳)، کاربردشناسی زبان، مترجم (عموززاده مهدیرجی، محمد و توانگر، منوچهر)، تهران: سخن.
- Crystal, David, (2008), *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, Sixth edition, Blackwell

References

- Agha Golzadeh, Ferdous, (1382), A Look at Thinking and Language, News of Cognitive Sciences, Year 5, Number 1, pp. 57-64.
- Ansari, Narges, (1389), Ashura in the mirror of contemporary poetry: review and analysis of Ashura poems (Persian-Arabic), first edition, Tehran: Ashura Cultural Complex

- Ibn al-Athir, Ziya al-Din, (1420 A.H.), *al-Muthalam al-Sa'ir fi Adab al-Katib wa al-Shaer*, Lebanon: Al-Maktabeh al-Asriya.
- Bertens, Hans, (2013), *Basics of Literary Theory*, (Translator: Abul Qasimi, Mohammad Reza), Tehran: Mahi
- Balata, Eisa, (1971), *Badr Shaker Al-Siab's Life and Poetry*, Beirut: Dar Nahar.- Jassim, Mohammad, (2014), *Code and myth in contemporary Iranian and Arab poetry: a comparative study of codeism in the poetry of Badr Shaker Siyab and Mehdi Akhwan Al-Talihi*, Tehran: Negah.
- Crystal, David, (2008), *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, Sixth edition, Blackwell
- Chomsky, Navam, (1377), *Cartesian linguistics, a chapter of the history of rationalist thinking*, (translated by Taherian, Ahmad), Tehran: Hermes
- Dad, Sima (1385).- *Dictionary of literary terms (dictionary of Persian and European literary concepts and terms in a comparative and explanatory way*, (3rd edition). Tehran: Marvarid.
- Zabihpour, Seyyedeh Fatemeh; Bagheri Khalili, Ali Akbar; Haqjo, Siavash, (1400), analysis of the secondary purposes of the subject verb in the social poems of the Mirror Collection for Voices, *Scientific Research Quarterly of Persian Language and Literature*, No. 61, pp. 133-158
- Bagheri Khalili, Ali Akbar; Haqjo, Siavash, (1400), analysis of the secondary purposes of the subject verb in the social poems of the Mirror Collection for Voices, *Scientific Research Quarterly of Persian Language and Literature*, No. 61, pp. 133-158
- Rajaei, Najmeh, (2012), *Poetry and Evil, Analysis of Revolutionary Poetry in Arab Literature*, Mashhad: Ferdowsi University.
- Rouhani, Massoud; Enayati, Mohammad, (2014), structural-content analysis of the poetic titles of M. Sarshak in a mirror for sounds, *Persian language and literature quarterly*, year 23, number 78, pp. 73-100
- Zarkhani, Seyyed Mehdi and Akhli, Elham, (2013), analysis of Shatah genre based on the speech act theory, two quarterly magazines of mystical literature, third year, number 6, pp. 61-80.
- Searle, John R., (2007), *Speech verbs, a survey in the philosophy of language*, (Translator: Abdullahi, Mohammad Ali), Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Shabar, Javad (1409 AH). *Adab al-Taf or the poets of al-Hussein*, Beirut: Al-Alami Institute.
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza (1380), *Contemporary Arab Poetry*, first edition, Tehran: Sokhn Publications.-
- Safavi, Koresh, (1377), *linguistics and literature*, first edition, Tehran: Hermes

- ———— , (1379), an introduction to semantics, first edition, Tehran: Surah Mehr Publications.
- ———— , (1382), applied semantics, first edition, Tehran: Hamshahri
- ———— ,(1400), Getting to know the theories of literary criticism, second edition, Tehran: Scientific
- Abbas, Ehsan, (1992), Badr Shakir al-Syab, Course in His Life and Poetry, 6th edition, Al-Arabiya Institution for Studies and Publishing: Beirut.
- Ghasemi, Zia, (1397), literary style from the perspective of linguistics, second edition, Tehran: Amir Kabir
- Kanani, Seyyed Hossein, summer 2014, the evolution of the use of context in interpretation, Mishkoh, No. 87, pp. 28-42.
- Mohammadi, Ali Reza, (1388), Holocaust (Holy Lie of the West) with an interview with Professor Faurison, 6th edition, Qom: Maarif publishing house.
- Moinian, Narmin, (1388), Linguistics from the perspective of anthropology, first edition, Tabriz: Sotoudeh
- Al Mousavi, Emad Jassim Hassan; Al-Zubaidi, Jaber Mohammad, (2020 AD), Nishat Mohammad Salman Hasan Al-Salaki during the period (1956-1948 AD), Sustainable Studies Magazine, the second year, the second volume, the fifth edition, pp. 1-15
- Nazz Al-Malaika, (2017), Approaches in the Analysis and Criticism of Contemporary Poetry, (Translators: Seifi, Taiba; Khorrami, Roghieh), Tehran: Shahid Beheshti University.
- Nahleh, Mahmoud, (2002), New horizons in contemporary linguistic research, Egypt: Dar al-Maarif al-Jamaeiya.
- Niazi, Shahryar and Navidi, Abdul Wahid (summer 2013), structural analysis of Siyab's similitude in Imam Hossein's lamentation, Shia literature, first year, first issue, pp. 1-27.
- Yule, George, (2013), Language Usage, translator (Amozrاده Mehdirji, Mohammad and Tawangar, Manouchehr), Tehran: Sokhn.

Abstract**Explanation of the theory of John Searle's speech acts in the elegy *Al-Dama'a Al-Kharsa'a* Badr Shakir al-Sayyab**

Abbas Ganjali*

Fereshteh Saffari**

In Searle's theory of speech act - in the field of language pragmatics - meaning is studied at the time of use and about the outside world, and context and situation are investigated as two main conditions in achieving deep meaning. This linguistic function can be examined in all kinds of texts, especially literary texts. Examining the text from this point of view shows how the poet, by going through the surface structure of the words, made the main theme hidden in the lower layers of the text, i.e. the deep structure, to prevent the banality of the theme (Avoiding repetitive topics and themes) and to describe it in line with the currents of Use it in the evening. In this magazine, an Ashura elegy by contemporary Iraqi poet Badr Shakir al-Sayyab has been analyzed. The purpose of this descriptive-analytical research is to investigate the speech acts in a literary-historical work that depicts the intellectual atmosphere of a contemporary Arab poet in dealing with the most tragic political event in the Islamic world and its connection with the current conditions of its colonized society. The result of the upcoming research is that the contemporary poet has used all the verbal actions except the declarative ones. Still, the declarative actions have expressed more about the purpose of awakening and seeking oppression.

Keywords: Searle's theory, speech act, Badr Shakir al-Sayyab, *Al-Dama'a Al-Kharsa'a*.

* Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. (Corresponding author). a.ganjali@hsu.ac.ir

** Ph.D student, Department of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. fe_saffari@yahoo.com.